

■ راه آزادی: ولی تومسیه می کشید که شورا را کنگره انتخاب بکند ؟

• ش . بختیار : بله . بشرطی که کنگره واقعی باشد نه به شیوه رجری .

راه آزادی: ولی نهضت مقاومت ملی در این ده سال در واقع خودش به عنوان یک جریان سیاسی منهای شما هیچ هویتی ندارد . مثلاً این موضوع برای نیروهای سیاسی می تواند مطرح باشد که اگر به فرض فردا یا نهضت به توافق برسد، و شما مخالف باشید چه خواهد شد؟ با توجه به این رابطه چه تضمینی برای این توافقها وجود دارد ؟

ش . بختیار : من توافق هائی که با هیئت اجرائی صورت می گیرد در صورت عدم مغایرت با اصول نهضت و تونمی کنم . ولی اگر موافق نباشم، می توانم بگویم من نیستم .

راه آزادی: برای مثال من در صحبت هائی که با هده ای داشتم ، به این بیان نامه معروف شما با امینی در سال ۶۲ اشاره می کردند که این خلاف منشور نهضت بوده است . یعنی شما پای چیزی را امضاء گذاشته اید که مغایر مضمون رسمی نهضت بوده است ؟ در حقیقت منشور نهضت در باره شکل حکومت در آینده بطور صریح موضع نمی گیرد . آن را به رأی مردم موکل می کند . ولی شما به عنوان رهبر نهضت پای تمهد سیاسی رفته اید که در آن برخلاف این نظر شکل حکومت تعیین شده است .

ش . بختیار : اجازه بدهید در این مورد حقیقت را بگویم . به اعتقاد بنده آقای امینی هیچ عقیده سیاسی ندارد ، نه زمان قوام السلطنه داشت که سوگلیش بود، نه زمان محمد رضا شاه داشت ، نه زمان دکتر مصدق . چنانکه هم وزیر مصدق بود و هم وزیر دارائی سولشکر زاهدی، آن اوایل همه می گفتند این بختیار با هیچکس حاضر به همکاری نیست . می گفتند این آقای امینی در مقابل محمد رضا شاه یک نق هائی می زد . البته به نظر من این چیز ها را نه به خاطر عقاید سیاسی خودش، بلکه به پشتیبانی امریکایی ها می کرد . علاوه بر این زمانی که همه ما زندان بودیم به خاطر کنسرسیوم ، او قرارداد کنسرسیوم را امضاء کرد . در مقابل او اویسی بود . من می گفتم با آقای اویسی که قزاقه، آدم کشته چه اعضائی دارم بکنم . در مورد امینی هم گفتم اگر این آدم یک چیز به من بگوید، حاضریم موافقتنام را امضاء کنم . انهم مسئله جدائی دین از دولت است تا این نخوند بازی از ایران برود . بقیه مراد را هم به شرطی که مردم قبول کنند و به آن رأی بدهند .

### رابطه با عراق

راه آزادی: مسئله منابع مالی نهضت از مسائل مورد بحث در ایرویسپورن ایران است . باتوجه به خصلت فاشیستی رژیم عراق و این موضوع اساسی که هیچ دولت خارجی بدون چشمداشت به جریان و یا کسی کمک نمی کند، رابطه خود با عراق از نظر مالی و سیاسی را چگونه توضیح می دهید ؟

ش . بختیار : مطلبی را قبلاً بگویم که ما ایرانی ها مردم بد بختی هستیم . به این معنا که به قول همدنس حق شناس چند سال آدم باید عمر بکند تا مردم هوشش را قبول کنند و بگویند این آدم خدمتگزار است . چیز هائی که من راجع به دکتر مصدق دیدم و خواندم ، برای همیشه بایستی مرا هائیرس میگرد . همان وقتی که رأس کار بود و چند سال بود . منظورم نه حرفهائی است که آزموده و اینها می زدند . کسانی را می گویم که خودشان را دمکرات می دانستند . من در این دنیا مردی سیاسی ندیدم چه تیتو، چه فرانکو، چه دوگل یا لنین و یا در سیاورات الجزایر که از آنها بیبرسند از کجا پول می آوردند و چقدر و یا چه کسی به شما کمک می کند . همه اینها را می دانیم از کجا پول می آورند و خرج می کردند . من ازشررا موافقت گرفتم که مختارم از هر منبعی، داخلی، خارجی، هر قدر

راه آزادی: البته نفوذی که از آن صحبت می کنید از موضوع نهضت مقاومت ملی به عنوان یک جریان سیاسی جداست . نهضت مقاومت ملی بعنوان یک تشکیلات سیاسی باید دارای ساختار دمکراتیک و کنفرانس و انتخابات باشد . مثلاً تا آنجا که من می دانم شورای نهضت را درحقیقت بعد از مشورت خود شما تعیین می کنید .

ش . بختیار: چه راهی دارد ؟ چاره جویی می خواهم بکنم چه بکنیم ؟ ببینید مثلاً در تاریخ دوگل وقتی رفت لندن، یک ژنرال تازه کاری بود و عده ای همکار به دور خودش جمع کرد و هریک را فرستاد دنبال کاری تا سال ۴۵ - سال ۴۵ هم که آمد گفت انتخابات کنید . انتخابات انجام شد و او رفت کنار .

راه آزادی: البته اون در جریان یک جنبش سیاسی بود ...

ش . بختیار: ببینید در ایران این جنبش سیاسی برای دمکراسی را امریکا، انگلیس، مالک غرب نمی گذارند . اینها همه چیز برای ایران می خواهند جز یک دمکراسی . غیر از اینکه آدمی مثل مصدق پیدا بشود و در رأس جریان قرار بگیرد و جلو انگلیس ها را بگیرد و از ایران بیندازد نشان بیرون . آن وقت هم اگر یادتان باشد، چه پلاهاش سر مصدق بیچاره در آوردند .

راه آزادی: منظور ما اینست ، جریانی که برای دمکراسی مبارزه می کند، باید در زندگی درونی خودش هم بر اساس اصول دمکراتیک عمل کند . دمکراسی را نمی توان بر مبنای شخص برچورد آورد . دمکراسی باید نهادهی باشد تا بتواند دوام بیاورد . چون یک نفر را خیلی راحت می شود ترور کرد و یا ممکن است به مرگ طبیعی از بین برود . دمکراسی اگر نهادهی شود، در جامعه نفوذ می گیرد و به فرهنگ و عادت جامعه تبدیل می شود . حرف ما اینست و در رابطه با نهضت مقاومت ملی هم صادق است .

ش . بختیار: بهرحال با توجه به واقعیاتش که گفتم ما نمی خواستیم خودمان را گول بزنیم و بگوئیم کنگره داشتیم ، اگر شما فرمولی دارید که بتوان این مشکل را حل کرد، در اختیار ما بگذارید . ما در درون خودمان توانستیم رفتاری دمکراتیک با هم داشته باشیم و این دموای جمهوری و مشروطه را از جلو پایمان بر آوریم و دور یک میز بشینیم ، شما می توانید از دوستائی که با من همکاری بر سر رسید هدنی که ده سال است من دنبال می کنم چیست . هدف من اینست که به استقرار آزادی در ایران کمک کنم . ضمناً باید توجه داشته باشید که در مبارزه ، شخصیت و سابق یک شخص بسیار مهم است اونهم در ایران .

### نقش هیئت اجرائی

راه آزادی: در محافل سیاسی در حقیقت نهضت مقاومت ملی

بیشتر معادل خود شماست . سؤال اینست که اگر روزی میان شما و نهضت مقاومت ملی اختلاف نظری پیش آید، کدام نظر تعیین کننده است ؟ یا بطور کلی اگر یک سازمان سیاسی بخواهد وارد گفت و گو و یا مناسبات با نهضت شود، بالاخره مخاطبش کیست ؟ نهضت مقاومت ملی یا دکتر بختیار ؟

ش . بختیار: مخاطبش هیئت اجرائی است که انهم منتخب سورااست . او باید تصمیم بگیرد .

راه آزادی: شما بعنوان شاپور بختیار آزادی عمل معینی دارید ؟

ش . بختیار: بله به عنوان رهبر و به عنوان مشاور، ولی پروهای سیاسی باید بروند با هیئت اجرائی صحبت کنند و هیئت برائی هم می تواند در حدودی با این نیرو ها به توافق برسد که شورا و افق باشد . حالا مسئله اینست که این شورا چگونه انتخاب می شود . ن کار کنگره می خواهد . آنرا من نمی توانم .